

## بازنمایی جامعه‌شناسی عینیت‌گرا در کالبد جامعه‌شناسی انتقادی

دعوت به جامعه‌شناسی: نگاهی انسان‌گرایانه  
(بررسی دو ترجمه از کتاب پیتر برگر)

● دکتر محمد امین قانع‌راد

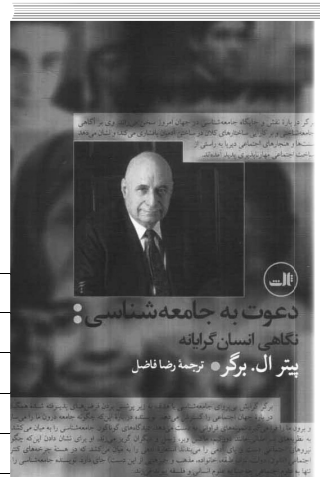
دانشیار جامعه‌شناسی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور / Ghaneirad@nrsp.ac.ir

### چکیده

این مقاله کتاب **دعوت به جامعه‌شناسی: نگاهی انسان‌گرایانه** نوشته پیتر برگر را معرفی و دو ترجمه این اثر در سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۹۳ را نقد می‌کند. اولین ترجمه به‌عنوان «ترجمه و تألیف شهره مهدوی» منتشر شده است و مترجم هر جا که لازم دانسته، با افزودن جملاتی به متن اصلی ترجمه را طولانی و گاه، اثر را تحریف کرده است؛ ترجمه فاضل اما با وفاداری بیشتر به مقوله ترجمه و برخورداری از نمایه‌های اسامی و موضوعی بر ترجمه اول رجحان دارد؛ با وجود این، در ترجمه فاضل نیز گاه با پدیده افزودن یا ترجمه نکردن برخی از اصطلاحات و جملات مواجه می‌شویم. در ترجمه فاضل، معادل‌های فارسی به‌گونه‌ای نابسامان به کار بسته می‌شود؛ به طوری که گاه خواننده از درک معنای دقیق برخی از این معادل‌ها ناتوان می‌ماند. ترجمه متون نظری باید با در نظر گرفتن الزامات و دلالت‌های مفهومی انجام شود؛ اما در پاره‌ای از موارد گرایش‌های هنجاری این دو مترجم بر کار آنان تأثیر می‌گذارد و آنان تحت تأثیر رویکرد هنجاری خود، از تعبیر یا معادل‌هایی استفاده می‌کنند که گاه به واژگونی معانی و دلالت‌های متن اصلی می‌انجامد. در این دو ترجمه، به‌طور خاص، جامعه‌شناسی عینیت‌گرا و مبتنی بر بی‌طرفی ارزشی برگر به‌مثابه یک جامعه‌شناسی هنجارگرا و انتقادی بازنمایی می‌شود.

### کلیدواژه

دعوت به جامعه‌شناسی، پیتر برگر، بازنمایی در ترجمه، جامعه‌شناسی عینیت‌گرا، بی‌طرفی ارزشی، جامعه‌شناسی انتقادی.



■ پیتر ال. برگر. دعوت به

جامعه‌شناسی: نگاهی انسان‌گرایانه.

ترجمه رضا فاضل. تهران: نشر ثالث.

۱۳۹۳. ۲۲۴ صفحه. ۱۲۰۰۰۰ ریال.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۸۰-۹۲۵-۶

### مقدمه

از کتاب دعوت به جامعه‌شناسی: نگاهی انسان‌گرایانه، نوشته پیتر ال. برگر (۱۹۶۳)، جامعه‌شناس معروف، تاکنون دو ترجمه به دست شهره مهدوی و رضا فاضل انجام شده است. اولین ترجمه در سال ۱۳۵۵، به دست مهدوی انجام شده و انتشارات روشنفکر آن را در دو جلد، مجموعاً بیش از ۴۰۰ صفحه، چاپ کرده است. دومین ترجمه نیز در سال جاری (۱۳۹۳) به همت رضا فاضل برگردان شده و نشر ثالث آن را در ۲۲۳ صفحه روانه بازار کرده است. اولین ترجمه در واقع به عنوان ترجمه و تألیف شهره مهدوی منتشر شده و مترجم هر جا لازم دانسته، نوشته برگر را بسط داده و با افزودن جملاتی به متن اصلی ترجمه را طولانی و گاه، اثر را تحریف کرده است. متن اصلی کتاب را که به طور مکرر، انتشارات پلیکان در قطع جیبی چاپ کرده است تا دانشجویان و خوانندگان بتوانند آن را در هرجا، از جمله اتوبوس و مترو، با خود همراه داشته باشند و مطالعه کنند، در چاپ ترجمه مهدوی به دو جلد کتاب رقعی تبدیل می‌شود. مهدوی مقدمه ۲/۵ صفحه‌ای برگر را ترجمه نکرده و به جای آن یک دیباچه ۲۰ صفحه‌ای از خودش را قرار داده است که می‌توان آن را یک بیانیه سیاسی و غیرعلمی علیه جامعه‌شناسی رایج و به تعبیر او «جامعه‌شناسان خودفروش و مزدور» تلقی کرد.

ترجمه فاضل اما با وفاداری بیشتر به مقوله ترجمه و داشتن نمایه‌های اسامی و موضوعی بر ترجمه اول رجحان دارد. با وجود این، فاضل به ترجمه قبلی اشاره‌ای ندارد و دلیل خود را برای ارائه ترجمه دوم، پس از گذشت ۳۸ سال از اولین ترجمه، بیان نمی‌کند. در ترجمه فاضل نیز، در حدی بسیار کمتر از اولین ترجمه، گاه با پدیده افزودن به متن مواجه می‌شویم؛ برای مثال، وقتی برگر از تلاش جامعه‌شناس برای گشودن درها و شنیدن صداهای پشت آن سخن می‌گوید (۱۹۷۵: ۳۰)، مترجم عبارت «رساندن صدای فرد آسیب‌دیده و نوع آسیب اجتماعی مورد نظر» را نیز به آن می‌افزاید (۱۳۹۳: ۳۴). در این ترجمه گاه به واژه‌ها و عبارات

و جملات ترجمه‌نشده نیز برمی‌خوریم؛ برای مثال، جمله مربوط به رابطه شوخی‌های رایج درباره جامعه‌شناسان با تصویرآماری از جامعه‌شناس، پس از پاراگراف اول صفحه ۲۳، بدون ترجمه مانده است (۱۹۷۵: ۱۹)؛ در این پاراگراف همچنین «مطالعات کینزی درباره رفتار جنسی آمریکایی»<sup>۱</sup> تنها به «بررسی‌های کینزی» ترجمه می‌شود (۱۳۹۳: ۲۳؛ ۱۹۷۵: ۱۹).  
فاضل در پایان «یادداشت مترجم» این نکته را بیان می‌کند که «همه واژه‌ها و جمله‌هایی که در سراسر متن در داخل گیومه آمده‌اند از آن مترجم هستند.» ولی بلافاصله در صفحه بعد و در ترجمه مقدمه نویسنده، عبارت «جماعت تحصیل‌کرده»<sup>۲</sup> را در داخل گیومه می‌آورد که در متن اصلی نیز در گیومه آمده است. در سراسر ترجمه نیز به واژگان و جملاتی زیادی برمی‌خوریم که به تبعیت از متن اصلی در درون گیومه نهاده شده است.

در این نوشتار، پس از معرفی کوتاه اندیشه‌های اصلی کتاب، یک بند از ترجمه هر یک از این دو مترجم را مقایسه، و سپس تأثیر‌گرایی هنجاری هر دو مترجم بر کار آنان بررسی می‌شود. در بخش دیگر تمایل فاضل به کاربرد معادل‌های پارسی سره و تأثیر آن در فهم متن از سوی خوانندگان بررسی می‌شود. بخش نتیجه‌گیری نیز به ارائه چند نکته پایانی می‌پردازد.

### معرفی اندیشه‌های اصلی کتاب

کتاب دعوت به جامعه‌شناسی: نگاهی انسان‌گرایانه، نوشته پیترا ل. برگر، اثری از تبار آثار، به قول مایکل بوروی، جامعه‌شناسی حوزه عمومی<sup>۳</sup> (مردم‌مدار) است. او این کتاب را نه همچون کتاب درسی برای «مطالعه‌کردن»، همچون اثری برای «خواندن» می‌نامد. در بین خوانندگان این کتاب، نه تنها دانشجویانی قرار دارند که در حال بازی کردن با اندیشه درپیش‌گرفتن جامعه‌شناسی به‌گونه «جدی» هستند، اعضای پخته‌تر «عامه تحصیل‌کرده» نیز قرار دارند.<sup>۴</sup>

برگر در پیشگفتار خود صادقانه اذعان می‌کند که این اثر براساس پیش‌داوری‌های او تدوین شده است و حتی جامعه‌شناسان دیگر، به‌ویژه در آمریکا، ممکن است از جهت‌گیری اثر او عصبانی شوند و با برخی از خطوط استدلال آن موافق نباشد. او در این کتاب کوشیده است که به سنت مرکزی که به اندیشه کلاسیک‌های جامعه‌شناسی بازمی‌گردد وفادار بماند؛ زیرا شدیداً به اعتبار پایدار این سنت باور دارد.<sup>۵</sup> کتاب دعوت به جامعه‌شناسی برگر همانند کتاب تخیل جامعه‌شناختی، اثر سی. رایت میلز (۱۹۵۹)، با اتکا به سنت جامعه‌شناسان کلاسیک، جامعه‌شناسی ساختی‌کارکردی آمریکایی را نقد می‌کند، ولی این دو کتاب از دو حاشیه متفاوت جریان اصلی جامعه‌شناسی، یعنی از «دیدگاه پدیدارشناختی» و «دیدگاه نوماکسیستی»، جریان اصلی را نقد می‌کنند.

کتاب دعوت به جامعه‌شناسی از نظر محتوا به کتاب **برساخت اجتماعی واقعیت**<sup>۶</sup>، اثر مشترک برگر و لوکمان، شباهت بسیاری دارد. هرچند محتوای این دو اثر کاملاً یکسان نیست و برخی از فصول آن‌ها تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند، دعوت یکسانی در هر دو

دیده می‌شود. تفاوت اصلی در کاربرد زبان فنی‌تر در کتاب برساخت اجتماعی واقعیت و کاربرد زبان عمومی‌تر در کتاب دعوت به جامعه‌شناسی است. تقدم را به کدام یک از این دو کتاب باید داد؟ کتاب دعوت به جامعه‌شناسی در سال ۱۹۶۳ و کتاب برساخت اجتماعی واقعیت در ۱۹۶۶ چاپ شده است، اما نویسندگان برساخت اجتماعی واقعیت در مقدمه کتاب خود می‌گویند اولین طرح اثر خود را در سال ۱۹۶۳ ترسیم کرده‌اند؛ به عبارت دیگر، این دو کتاب تا حد زیادی یک اثر یگانه است با دو نسخه. دعوت به جامعه‌شناسی نسخه عمومی‌تر اثر است که ابتدا منتشر و نسخه تخصصی‌تر آن، با عنوان برساخت اجتماعی واقعیت، سه سال بعد چاپ می‌شود. با توجه به اینکه نسخه عمومی‌تر با نام پیتر برگر منتشر شده است و در کتاب دوم نیز نام او در آغاز آمده است، برگر را می‌توان ایده‌پرداز اصلی کتاب برساخت اجتماعی واقعیت دانست.

هر دو کتاب درکی انسان‌گرایانه از جامعه‌شناسی به دست می‌دهند. عنوان آخرین فصل کتاب اول «جامعه‌شناسی به مثابه یک رشته انسان‌گرایانه» است و آخرین سطور کتاب دوم نیز با سخن گفتن از «جامعه‌شناسی انسان‌گرایانه» (۱۹۶۶: ۲۱۱) پایان می‌یابد. فصول پنجم و ششم کتاب دعوت به جامعه‌شناسی با عناوین «انسان در جامعه» و «جامعه در انسان»، به ترتیب، با بخش‌های دوم و سوم کتاب برساخت اجتماعی واقعیت با عناوین «جامعه به عنوان واقعیت عینی» و «جامعه به عنوان واقعیت ذهنی» تناظر محتوایی دارد. فصل «انسان در جامعه» بیشتر حال و هوایی دورکیمی دارد و نویسنده در آن می‌کوشد تا نشان دهد چگونه جایگاه آدمی روی نقشه اجتماعی رفتارها و انتظارات او از زندگی را تعیین می‌کند. از نظر برگر قرار گرفتن یا استقرار در جامعه یعنی بودن در نقطه تلاقی نیروهای اجتماعی خاص. فصل جامعه همچون یک نظام یا مجموعه نظام‌های به دقت تعیین شده و تعریف شده قدرت و حیثیت محسوب می‌شود که به شیوه‌های گوناگون افراد را تحت کنترل خود قرار می‌دهد. این ابزارها و شیوه‌های کنترل اجتماعی از خشونت جسمی تا اقناع، تمسخر، بدگویی و سرزنش و طرد، و آه را در بر می‌گیرد. نظام قانونی و سیاسی، اخلاقیات، نظام شغلی، و نظام قشربندی انواع کنترل اجتماعی را فراهم می‌کنند. فصل «انسان در جامعه» روایت دورکیمی از جامعه را بیان می‌کند که بر اساس آن جامعه با یک واقعیت سنگین<sup>۷</sup> در برابر ما قرار دارد. از نظر دورکیم، واقعیت‌های اجتماعی، مانند پدیده‌های طبیعت، به مانند «اشیا» یک هستی عینی بیرون از خود ما دارند. این همان «جامعه به مثابه یک واقعیت عینی» است. جامعه آنجاست و ما «در» جامعه، در بخش‌های خاص نظام اجتماعی، قرار داریم و جامعه همه جنبه‌های زندگی ما را در بر گرفته است. جایگاه ما در جامعه تقریباً هر چیزی را که ما انجام می‌دهیم، از زبان تا آداب، از باورهای مذهبی تا احتمال خودکشی ما، تعیین می‌کند. آخرین جمله این فصل جامعه را همچون «دیوارهای زندان ما در تاریخ» توصیف می‌کند. اما فصل «جامعه در انسان» برعکس به این موضوع می‌پردازد که هویت و اندیشه‌های فرد در این میان چه معنایی دارد. نویسنده در این فصل راه‌های گریز از این جبرگرایی را نشان می‌دهد.

فصول پنجم و ششم کتاب دعوت به جامعه‌شناسی با عناوین «انسان در جامعه» و «انسان»، به ترتیب، با بخش‌های دوم و سوم کتاب برساخت اجتماعی واقعیت با عناوین «جامعه به عنوان واقعیت عینی» و «جامعه به عنوان واقعیت ذهنی» و تناظر محتوایی دارد

## مقایسه ترجمه یک بند در دو ترجمه

همان‌طور که اشاره شد، شهره مهدوی در ترجمه خود به تألیف نیز می‌پردازد و جابه‌جا متن اصلی را گسترش می‌دهد و با افزودن جملاتی از خود، ترجمه را طولانی و گاه، متن اصلی را تحریف می‌کند. در اینجا برای آشنایی با تفاوت سبک دو مترجم و میزان وفاداری آنان به متن، ترجمه مهدوی و فاضل از دومین پاراگراف فصل اول کتاب با همدیگر مقایسه می‌شود:

### ترجمه مهدوی:

اگر از یک دانشجوی سال اول بپرسیم «چرا رشته جامعه‌شناسی را برای ادامه تحصیل خود برگزیده‌ای؟»، اغلب علاوه بر اینکه پاسخ «خب، قضاوت‌قدر من را به اینجا انداخت، یا عدم وجود امکانات کافی برای رفتن به رشته‌های طب و مهندسی من را به ادامه تحصیل در این رشته وادار کرد» را می‌شنویم، می‌بینیم که او بلافاصله برای توجیه وجود خویش در دانشکده چنین می‌گوید: «من جامعه‌شناسی می‌خوانم برای اینکه دوست دارم با مردم کار کنم و به آن‌ها کمک نمایم» و اگر باز هم به پرسش خود از این دانشجو ادامه دهیم و بپرسیم که آینده‌ای را که برای خود تصویر نموده‌ای به چه صورت است، باز هم علاوه بر اینکه می‌گوید: «ای بابا، بالاخره در اداره‌ای پشت میز نشین خواهیم شد»، اشاره می‌کند که «من می‌خواهم به مددکاری اجتماعی و کمک به مردم بپردازم»، البته بعداً در مورد این مطلب باز هم به گفت‌وگو می‌پردازیم، اما معمولاً در این‌گونه موارد پاسخ‌های دیگری را نیز می‌شنویم که بیشتر عمومی و مبهم می‌باشند؛ زیرا در هر حال همگی به ما خاطرنشان می‌سازند که بالاخره فارغ‌التحصیلان رشته جامعه‌شناسی بیشتر با مردم سروکار خواهند داشت تا اشیای بی‌جان. اغلب مشاغلی که در این مورد ذکر می‌شوند عبارت‌اند از: کارهای اداری، مشاغل روابط استانی در کارخانه‌ها، روابط عمومی، تبلیغات برنامه‌ریزی برای بهبود اوضاع محلی و بالاخره، انواع مختلف کارهای مذهبی، و فرضیه عمومی‌ای که این مشاغل روی آن استوارند، عبارت از این است که با انجام این مشاغل شخص می‌تواند «برای مردم کاری انجام دهد»، یا «به مردم کمک کند»، یا کاری بکند که مورد استفاده محله یا جامعه خودش باشد؛ به این ترتیب، به دست آوردن چنین تصویری از جامعه‌شناسی همانند تصویر آن روحانی مردم‌دوستی است که قصدش رفتن بین مردم، کار با آن‌ها و ایجاد تماس از طریق خیرخواهی‌های دینی و مقدس و اعمال سخاوتمندانه انسانی است؛ در نتیجه، جامعه‌شناسی نوین و امروزی همچون مددکاری اجتماعی و مساعدت به هموعان به نظر می‌رسد و جامعه‌شناس همچون شخصی که به صورت حرفه‌ای،

شغلش مساعدت به مردم و تنظیم رفتار آن‌ها به نمایندگی از طرف افراد، یا اجتماع به طور کلی است، می‌باشد (۱۳۵۵: ۳۴-۳۲).

### ترجمه فاضل:

بیشتر دانشجویان کارشناسی رشته جامعه‌شناسی در پاسخ به این پرسش که چرا رشته جامعه‌شناسی را برگزیده‌اند، می‌گویند: «چون می‌خواهیم با مردم کار کنیم». آن‌گاه اگر از آنان بپرسند برای آینده کاری خود چه اندیشه‌ای دارند، پاسخ می‌دهند که می‌روند مددکار اجتماعی می‌شوند؛ پاسخ دیگر دانشجویان گنگ و چندپهلوی است، اما همه پاسخ‌ها نشان می‌دهند که آنان می‌خواهند بیشتر با مردم سروکار داشته باشند تا با چیزهایی دیگر. کارهایی که دانشجویان بر آن‌ها انگشت می‌گذارند دربرگیرنده کار کارمندی، روابط انسانی در صنایع، روابط عمومی، تبلیغات، برنامه‌ریزی اجتماعی یا جنب‌وجوش مذهبی است. پندار همگان در همه این راسته‌های کاری این است که دانشجو می‌خواهد «کاری برای مردم انجام دهد»، «به مردم کمک کند»، «کاری به سود جامعه انجام دهد». این کارها را که جامعه‌شناس می‌خواهد انتخاب کند درست همان خدمت پروتستان‌های لیبرال در چارچوب مذهب است. جامعه‌شناسی نمود روزآمد گویند کهن آمریکایی «شورشادی» است. جامعه‌شناس همچون کسی شناخته می‌شود که تکاپوی آدمیان پیرامون خود، و به‌گونه‌ای فراگیرتر، سراسر جامعه را پاکیزه می‌کند (۱۳۹۳: ۱۶-۱۵).

مهدوی در ترجمه خود دانشجویان دوره کارشناسی را به دانشجویان سال اول تبدیل کرده است. او تحت تأثیر گفته‌های دانشجویی در ایران، در ترجمه خود عبارت‌هایی چون «قضاو قدر من را به اینجا انداخت، یا عدم وجود امکانات کافی برای رفتن به رشته‌های طب و مهندسی من را به ادامه تحصیل در این رشته وادار کرد یا ای بابا، بالاخره در اداره‌ای پشت میز نشین خواهیم شد.» را به متن افزوده است. ترجمه مهدوی تقابل کار با مردم و اشیا را نشان می‌دهد، ولی ترجمه فاضل این تقابل را پنهان می‌کند. «انواع مختلف کارهای مذهبی» در ترجمه مهدوی و «جنب‌وجوش مذهبی» در ترجمه فاضل «کار مذهبی از نوع غیرکشیشی»<sup>۸</sup> مورد نظر متن را نشان نمی‌دهد. «فرض مشترک»<sup>۹</sup> را مهدوی به «فرضیه عمومی» و فاضل به «پندار همگان» بازگردانده‌اند. مهدوی برخلاف فاضل به «تصویر جامعه‌شناس»<sup>۱۰</sup> اشاره می‌کند، ولی هیچ‌یک نمی‌گویند که این تصویر «یک نوع عرفی شده از خدمت کشیشی پروتستان لیبرال»<sup>۱۱</sup> است. هیچ‌یک از این دو ترجمه علامت اختصاری YMCA به عنوان خلاصه «Young Men's Christian Association» و به معنای

«انجمن مسیحی مردان جوان» را ترجمه نمی‌کنند و از کنار آن می‌گذرند. هیچ‌یک از دو ترجمه از «پیوند ارتباط‌دهنده بین نیکوکاری قدسی و دنیوی<sup>۲</sup>» سخن نمی‌گویند. مهدوی واژه Uplift به معنای بهبود و ارتقای وضعیت را ترجمه نمی‌کند و فاصل آن را «شورشادی» ترجمه می‌کند.

### تأثیر تمایلات هنجاری در ترجمه متن

مهدوی از این کتاب یک تلقی انتقادی به دست می‌دهد که مهم‌ترین ویژگی آن نقد بی‌طرفی ارزش دعای جامعه‌شناسی است. او در مقدمه خود به «نقش غیرانسانی جامعه‌شناسی» اشاره می‌کند و حتی آن را تا حد «تازه‌ترین شگرد استعمار نو برای ازبین بردن آزادی و استقلال کشورهای جهان سوم و تحمیق توده‌های بیکار و فقیر جهان صنعتی» تقلیل می‌دهد. به نظر او:

جامعه‌شناسان در کشورهای جهان سوم تحت لوای شعار بی‌طرفی علمی خود را از هرگونه مسئولیتی مبرادانسته و تنها به تجزیه و تحلیل سطحی مسائل پرداخته‌اند... آن‌ها نه چیزی راجع به این جامعه می‌دانند و نه درگیر مسائل اجتماعی هستند و تنها به صرف به‌کارگرفتن واژه‌های مجعول و من‌درآوردی و ساختگی خود را جامعه‌شناس می‌دانند... اینان مثبت‌گرایانی هستند که تنها به بی‌غرضی و بی‌طرفی و بی‌نظری به اصطلاح علمی معتقدند. اگر کسی در جامعه‌شناسی هدف داشته باشد، اگر ایدئولوژی داشته باشد... اگر مثبت‌گرا نباشد، انتقاد کند و به چاره‌جویی... بپردازد، اگر در برابر نظریات و نتایج تحقیقاتش در خود تعهدی احساس کند و بالاخره اگر به این حقیقتی که علم واقعی آن است که در خدمت ایمان قرار بگیرد معتقد باشد، از طرف همین جامعه‌شناسان حرفه‌ای محافظه‌کار و مزدور به جرم انتقادی بودن و مثبت‌نیندیشیدن و عدم همکاری، از جامعه به اصطلاح علمی طرد می‌گردد (۱۳۵۵: ۲۷-۲۶).

اگر هدف دیباچه ترجمه مهدوی را به‌گونه مستقیم یا غیرمستقیم، معرفی کتاب برگردانیم، گویا این کتاب برای مبارزه با استعمار نو، دفاع از آزادی و استقلال کشورهای جهان سوم، تلاش برای نفی بی‌طرفی ارزشی در علم جامعه‌شناسی، مخالفت با به‌کارگرفتن مفاهیم جامعه‌شناختی (واژه‌های مجعول و من‌درآوردی)، ترویج به‌کارگرفتن مفاهیم روحیه محافظه‌کاری و مزدوری و غیره تألیف شده است. مهدوی در دیباچه خود «بی‌طرفی ارزشی» در جامعه‌شناسی را مورد حمله قرار می‌دهد و آن را محصول فریب و نیزنگ نظام‌های سرمایه‌داری غربی برای پیشبرد منافع خود می‌داند. به نظر او، جامعه‌شناس نباید سرسپرده بی‌غرضی علمی شود و باید ایدئولوژی داشته باشد (ص ۲۹)؛ در حالی که برگردان دریافت ماکس وبر را می‌پذیرد که جامعه‌شناسی «آزاد از ارزش<sup>۳</sup>» است و توضیح می‌دهد که این امر به آن معنا نیست که جامعه‌شناس بی‌بهره از ارزش هاست، یا نباید ارزش‌هایی داشته باشد. جامعه‌شناس به‌عنوان یک شهروند، یک فرد خصوصی یا عضو یک گروه مذهبی یا قومی،

ارزش‌های گوناگون دارد، ولی در درون حدود فعالیت‌هایش به‌عنوان یک جامعه‌شناس تنها یک ارزش بنیادی، یعنی شرافت علمی<sup>۴</sup>، وجود دارد. جامعه‌شناس براساس آموزش فکری‌اش باید بکوشد عقاید و احساسات و پیش‌داوری‌های خود را بشناسد و آن‌ها را به‌عنوان سوگیری کنترل و تا حد ممکن از کار خود حذف کند. این کار همیشه ساده نیست، ولی غیرممکن هم نیست (۱۹۷۵: ۱۶-۱۵).

مقدمه فاضل بر ترجمه برگرنیز آمیخته به لایه‌های ایدئولوژیک است؛ او می‌نویسد: برگر گرایش بی‌پروای جامعه‌شناسی به زیرپرسش‌بردن انگاره‌های پذیرفته‌شده همگان درباره جهان اجتماعی را گسترش می‌دهد... برای کسانی که در برابر ستمگران و زورگویان سر فرود می‌آورند و آنان را می‌ستایند و بر ستمدیدگان می‌شورند و می‌تازند جایی در جامعه‌شناسی نیست و اگر هم باشد به ابزاری برای سرسپردگی به زورمندان برگردانده می‌شوند... درون مایه سراسری کتاب این است که جامعه آزادی را در تنگنا می‌گذارد و آدمی باید سامان دیرینه را رسوا کند و سنت را زیر تازیانه پرسش ببرد (۱۳۹۳: ۱۰-۹).

براساس این دریافت نیز گویا هدف کتاب دعوت به جامعه‌شناسی، دعوت آدمیان به رسواکردن سنت‌ها و مقاومت در برابر ستمگران و زورگویان است. دعوت به جامعه‌شناسی دعوتی به دانش جامعه‌شناسی برای شناخت لایه‌های گوناگون جامعه است و برگر گاه حتی نشان می‌دهد که چگونه نمی‌توان به راحتی از سنگینی سامان دیرینه رها شد و چگونه سنت به شیوه‌های گوناگون ما را دربرمی‌گیرد.

هم مهدوی و هم فاضل برای جامعه‌شناس نقش یک مصلح اجتماعی را قائل می‌شوند که باید علیه «استعمار و سرمایه‌داری» یا «ستمگران و زورگویان» مبارزه کند و به فکر و اندیشه مردم باشد؛ اما به نظر برگر، تصویر جامعه‌شناس به‌عنوان مصلح اجتماعی از آشفتگی و واپس‌ماندگی فرهنگی رنج می‌برد (۱۹۷۵: ۱۸). به نظر برگر، یک جامعه‌شناس که از حساسیت اخلاقی و سیاسی برخوردار است از کاربرد دانش جامعه‌شناسی برای بهبود اوضاع اجتماعی خرسند می‌شود؛ ولی باید در نظر داشت که چیزی که در اینجا مورد بحث قرار دارد درک جامعه‌شناختی نیست، کاربردهای این شناخت است. به نظر او، درک جامعه‌شناختی از پویایی پیش‌داوری نژادی می‌تواند به‌طور مؤثری به‌وسیله کسانی مورد استفاده قرار گیرد که می‌خواهند نفرت یا رواداری را گسترش دهند. درک جامعه‌شناختی از سرشت همبستگی انسانی می‌تواند در خدمت رژیم‌های توتالیتر و دموکراتیک، هر دو، قرار گیرد. مددکار اجتماعی گروهی در یک اردوگاه تابستانی در ادیرونداکز<sup>۱۵</sup> و یک شستشوگر مغزی کمونیست در یک اردوگاه زندانیان در چین، هر دو، می‌توانند فرآیندهایی را دستکاری کنند که توافق ایجاد می‌کنند (۱۹۷۵: ۱۸).

مهدوی در ترجمه خود جملاتی را می‌آورد که با نیت برگر در تعارض است. او می‌نویسد: «جامعه‌شناسی از این جهت که نسبت به مسائل اخلاقی و سیاسی احساس دارد، گاه موجب شادی عمیق طرفدارانش می‌گردد» (۱۳۵۵: ۴۳). گویا برگر به حساسیت

هم مهدوی و هم فاضل برای جامعه‌شناس نقش یک مصلح اجتماعی را قائل می‌شوند که باید علیه «استعمار و سرمایه‌داری» یا «ستمگران و زورگویان» مبارزه کند و به فکر و اندیشه مردم باشد؛ اما به نظر برگر، تصویر جامعه‌شناس به‌عنوان مصلح اجتماعی از آشفتگی و واپس‌ماندگی فرهنگی رنج می‌برد



اخلاقی و سیاسی دعوت می‌کند. او حتی به‌کاربردن چنین درکی را با صفت «مهم» و اساسی» توصیف می‌کند، چیزی که در متن اصلی وجود ندارد. مهدوی عبارت «مغزشوی کمونیست در اردوگاه زندانیان در چین»<sup>۱۶</sup> را این‌گونه ترجمه می‌کند: «یک مغزشو در یک اردوگاه جنگی»؛ یعنی واژه «کمونیست» که نشان‌دهنده گرایش ایدئولوژیک مغزشویی است و واژه «چین»، به‌عنوان نام یک کشور معین، در ترجمه او حذف و اردوگاه زندانیان به اردوگاه جنگی تبدیل می‌شود. فاضل نیز هرچند نام کشور چین را حذف نمی‌کند، گرایش ایدئولوژیک مغزشوی را در ترجمه خود نادیده می‌گیرد و معادل «گماشته» را به‌جای کمونیست به‌کار می‌برد: «گماشته شست‌وشوی مغزی در اردوگاه زندانیان در چین». در هر دو متن محل اردوگاه تابستانی، یعنی «ادیرونداکز»، از قلم می‌افتد و «اردوگاه تابستانی در ادیرونداکز» در مهدوی و فاضل به‌ترتیب به «یک گروه از جوانان در یک اردوگاه تابستانی» و «در اردویی تابستانی در ساحلی زیبا» تبدیل می‌شود. مهدوی «مددکار اجتماعی گروهی»<sup>۱۷</sup>، یعنی کسی را که با گروه اجتماعی و نه با فرد کار می‌کند، ترجمه نمی‌کند و فاضل آن را «مددکار اجتماعی» ترجمه می‌کند.

وبر در مطالعات خود «گونه آرمانی» را به‌کار می‌برد، ولی توضیح می‌دهد که این‌گونه مفاهیم محتوای هنجاری ندارند؛ یعنی آرمان‌ها و امور مطلوب و باید‌ها را تعیین نمی‌کنند. این مفاهیم در واقعیت هم وجود ندارند و به‌قصد مقایسه و واقعیت با آن‌ها ساخته می‌شوند. از نظر وبر، گونه آرمانی را نباید به‌عنوان یک میانگین تجربی از واقعیت‌ها فهمید. در ترجمه فاضل آمده است که «نمی‌توان برای گونه آرمانی، میانگین یا مرزی تجربی برگزید». که درست آن این است که گونه آرمانی را نمی‌توان به‌عنوان یک میانگین تجربی تلقی کرد. او در ترجمه خود چنین ادامه می‌دهد: «جامعه‌شناس، چونان یک دانشمند، باید عینیت‌گرا باشد، رجحان‌های شخصی خود را مهار و اندیشیدن را جایگزین داوری فرمایشی و دستوری کند» (۱۳۹۳: ۳۱). براساس این ترجمه، گویا برگر مشغول ارائه توصیه‌های هنجاری به جامعه‌شناسان است، درحالی‌که او یک نوع آرمانی از جامعه‌شناس را توصیف می‌کند: «جامعه‌شناس، به‌عنوان یک دانشمند، می‌کوشد عینی باشد، ترجیحات و پیش‌داوری‌های شخصی خود را مهار کند، به‌روشنی درک کند تا به‌طور هنجاری داوری کند» (۱۹۷۵: ۲۸-۲۷).

مترجم احتمالاً تحت تأثیر رویکرد هنجاری خود در مواردی دیگر نیز متن را با کاربرد تعابیر هنجاری ترجمه می‌کند؛ برای مثال به‌جای جمله «باوجود این، مسئله نقش سیاسی دانشمندان اجتماعی مسئله‌ای بسیار واقعی است»، این عبارت به‌کار می‌رود: «نقش سیاسی دانشوران اجتماعی باید نقشی بسیار درست‌کارانه و سرفرازانه باشد» (۱۳۹۳: ۳۰). مترجم که گویا نمی‌تواند با مفهوم خنثی بودن یا بی‌طرفی علمی برگر رابطه برقرار کند، این گفته برگر را که در خنثی بودن علمی موردنظر او چیزی برای نکوهش وجود ندارد<sup>۱۹</sup> چنین ترجمه می‌کند: «هیچ چیز شرم‌آورتر از دست‌درازی نقش بی‌طرفی علمی در پژوهش اجتماعی نیست» (۱۳۹۳: ۱۷۸).

مترجم احتمالاً  
تحت تأثیر رویکرد  
هنجاری خود در  
مواردی دیگر نیز  
متن را با کاربرد  
تعابیر هنجاری  
ترجمه می‌کند؛  
برای مثال به‌جای  
جمله «باوجود  
این، مسئله  
نقش سیاسی  
دانشمندان  
اجتماعی مسئله‌ای  
بسیار واقعی  
است»، این عبارت  
به‌کار می‌رود:  
«نقش سیاسی  
دانشوران اجتماعی  
باید نقشی بسیار  
درست‌کارانه و  
سرفرازانه باشد»

## کاربرد ناپسامان معادل های فارسی

بخشی از مشکلات ترجمه فاضل به تلاش او برای کاربرد معادل های فارسی سره بازمی گردد. هرچند که با کاربرد معادل های فارسی سره توافق کلی دارم، توافق اجتماع علمی را درباره معادل های جایگزین اساسی ترمی دانم. زبان برای برقراری ارتباط است و اگر واژه های انتخابی نتوانند این ارتباط را برقرار کنند کارکرد اصلی خود را از دست می دهند. هرگاه کسی بخواهد از معادل های جدید استفاده کند حداقل باید واژه اصلی (لاتین) را در زیرنویس ها ذکر کند. نکته دیگر این است که مترجم باید در کل متن، به جز مواردی که یک واژه لاتین در جاهای مختلف متن با معانی متفاوت به کار رود، از معادل یکسانی برای یک اصطلاح لاتین استفاده کند. فاضل گاه یک واژه انگلیسی را به صورت چند معادل فارسی ترجمه می کند؛ نمونه آن واژه Image است که با معادل های گوناگون «پندار» و «سیمما» و «رخساره» جایگزین می شود. مترجم در این کتاب در پی جایگزینی معادل های فارسی سره به جای معادل های عربی برآمده است و به این دلیل، احتمالاً معادل تصویری را برگزیده است؛ درحالی که معادل های فارسی او نیز مفهوم اصلی را نمی رساند (نگاه کنید به برگر ۱۳۹۳: ۱۶، ۲۰، ۲۲).

و بالاخره اینکه حتی المقدور باید یک معادل فارسی را فقط برای یک واژه انگلیسی به کار برد؛ نمونه ای از تخطی از این امر معادل «انگیزه» برای واژه های انگلیسی Goal, Purpose, Motivation است؛ او واژه Goal را یک جا به انگیزه و جای دیگر به هدف ترجمه می کند. بدون مشروط کردن کاربرد معادل های جدید و از جمله معادل های فارسی سره، به نکات گفته شده، ترجمه به یک متن مغشوش تبدیل می شود. واژه Analysis گاه کاوش و گاه تحلیل ترجمه می شود. واژه Tradition به آئین (ص ۱۲) و روش (ص ۱۷۹) بازگردانده می شود و در عین حال روش معادل method و همچنین Creed (ص ۱۴۵) نیز به کار می رود. او رواقیون را به استوئیک ها (ص ۱۵۵)، برمی گرداند و به جای کلی مسلکی<sup>۲۰</sup> معادل بدبینی (ص ۱۸۷) را به کار می برد. واژه Argument به گفتار و نه استدلال ترجمه می شود و در جای دیگر واژه گفتار در ترجمه Discussion مورد استفاده قرار می گیرد (ص ۱۵۶). داوری های علمی و اخلاقی<sup>۲۱</sup> به علم و داوری های اخلاقی بازگردانده می شود (ص ۱۷۹). مترجم سوءنیت<sup>۲۲</sup> (مفهوم مورد نظر سارتر) را به کج اندیشی، توصیف<sup>۲۳</sup> را به ستایش، غیرملتزم، یا غیرمتعهد<sup>۲۴</sup> را به سوگیرنده ترجمه می کند (ص ۱۷۸).

### نتیجه گیری

ترجمه متون نظری باید با در نظر گرفتن الزامات و دلالت های مفهومی انجام شود؛ اما در بسیاری از موارد، گرایش های هنجاری مترجمان بر کار آنان تأثیر می گذارد و آنان ممکن است تحت تأثیر رویکرد هنجاری خود از تعابیر یا معادل هایی استفاده کنند که گاه به واژگونی معانی و دلالت های متن اصلی می انجامد. این سخن با بررسی دو ترجمه دعوت به جامعه شناسی تأیید می شود؛ زیرا در این دو ترجمه یک جامعه شناسی عینیت گرا و مبتنی بر

ترجمه متون نظری باید با در نظر گرفتن الزامات و دلالت های مفهومی انجام شود؛ اما در بسیاری از موارد، گرایش های هنجاری مترجمان بر کار آنان تأثیر می گذارد و آنان ممکن است تحت تأثیر رویکرد هنجاری خود از تعابیر یا معادل هایی استفاده کنند که گاه به واژگونی معانی و دلالت های متن اصلی می انجامد

بی‌طرفی ارزشی به مثابه یک جامعه‌شناسی هنجارگرا و انتقادی ترجمه و بازنمایی می‌شود. اهمیت مفاهیم در علوم اجتماعی همچنین ضرورت کاربرد یکسان واژگان برای سخن‌گفتن درباره آن‌ها را ایجاب می‌کند. جامعه‌شناسی یک دانش مفهومی است و رعایت نکردن استانداردهای رایج در بازگرداندن مفاهیم، ترجمه را به یک متن ادبی تبدیل می‌کند که نمی‌تواند اندیشه نویسنده را به خوانندگان منتقل کند. در متون علوم اجتماعی ما با مفاهیم روشن و مشخص سروکار داریم و نه با یک متن ادبی صرف که باید بر مبنای اصول زیبایی‌شناسی ادبی تدوین شود. اینکه متون علوم اجتماعی بتوانند در عین انتقال حساسیت مفهومی به خوانندگان خود از نظر ادبی نیز جذاب باشند، البته چشم‌انداز ارزشمندی است، اما ترجمه ادبی از متون نظری جامعه‌شناختی اغلب باعث می‌شود که «مفاهیم» اصلی در این میان ناپدید شوند. این امر در ترجمه فاضل مشاهده می‌شود و برای مثال، به جای «تصویر جامعه‌شناس در ذهن عمومی» از «رخساره جامعه‌شناس در نهان جامعه» سخن می‌رود. افکار عمومی نیز به «اندیشه همگانی» بازگردانده می‌شود. فرق افکار عمومی و اندیشه همگانی به اندازه فرق یک مفهوم جاافتاده در علوم اجتماعی با یک مفهوم مبهم و دارای کاربرد عمومی است که می‌تواند معادل واژه‌های دیگر نیز باشد.

به‌عنوان سخن پایانی باید گفت که کتاب دعوت به جامعه‌شناسی هنوز بعد از نیم‌قرن از اهمیت توجه‌برانگیزی برای آشناکردن دانشجویان و دیگر علاقه‌مندان با فضای فکری و هنجاری این رشته برخوردار است و به همین دلیل، از فاضل، به‌عنوان مترجمی پرکار و فردی فعال در قلمروی آموزش جامعه‌شناسی، انتظار می‌رود چاپ دوم ترجمه خود را ویراسته‌تر و با کاربرد معادل‌هایی دقیق‌تر در اختیار دانشجویان و علاقه‌مندان به این رشته قرار دهد.

## منابع

برگر، پیتر ال.، (۱۳۵۵)، دعوتی به جامعه‌شناسی (دو جلد)، ترجمه و تألیف شهره مهدوی، تهران: انتشارات روشنفکر.

برگر، پیتر ال.، (۱۳۹۳)، دعوت به جامعه‌شناسی: نگاهی انسان‌گرایانه، ترجمه رضا فاضل، تهران: نشر ثالث.

Berger, Peter L., (1963), Invitation to Sociology: A Humanist Perspective, New York: Anchor Books, Doubleday & Company, Inc.

Berger, Peter L (1966), The Social Construction of Reality: a Treatise in the Sociology of Knowledge, Garden City, New York: Anchor.

Berger, Peter L., (1975), Invitation to Sociology, Pelican Books.

<http://www.isa-sociology.org/books/books10.htm>

Mills, C. Wright, (1959), the Sociological Imagination, Oxford: Oxford University Press.

پی‌نوشت

1. Kinsey studies of American sexual behavior
2. Educated public
3. Public sociology

۴. مقایسه کنید با ترجمه فاضل: «در میان این خوانندگان، دانشجویان و نیز اعضای پخته‌تر آن کیان اساطیری که آن را جماعت تحصیل‌کرده می‌نامند، کسانی خواهند بود که شاید ایده دنبال کردن دشوار جامعه‌شناسی را در سر پیوراندند» (۱۳۹۳: ۱۱).

۵. مقایسه کنید با ترجمه فاضل: «آنچه می‌خواهم بگویم این است که کوشیده‌ام به آیین بنیادین که به کلاس‌های رشته جامعه‌شناسی برمی‌گردد، پایبند بمانم و استوارانه به پایدار ماندن این آیین باور دارم» (۱۳۹۳: ۱۲).

۶. کتاب «برساخت اجتماعی واقعیت» The Social Construction of Reality اثر برگرو لوکمان از طرف انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی به‌عنوان پنجمین کتاب تأثیرگذار جامعه‌شناسی در قرن بیستم توصیف شده است:

<http://www.isa-sociology.org/books/books10.htm>

۱۰ کتاب انتخابی به‌عنوان تأثیرگذارترین کتاب‌های نوشته‌شده در حوزه جامعه‌شناسی در قرن بیستم که به‌وسیله این وب‌گاه (با ذکر درصد‌های مربوط) معرفی شده‌اند به این شرح است:

1	Weber, Max	Economy and Society	20.9
2	Mills, Charles Wright	The Sociological Imagination	13.0
3	Merton, Robert K.	Social Theory and Social Structure	11.4
4	Weber, Max	The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism	10.3
5	Berger, P.L. and Luckmann, T.	The Social Construction of Reality	9.9
6	Bourdieu, Pierre	Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste	9.5
7	Elias, Norbert	The Civilizing Process	6.6
8	Habermas, Jürgen	The Theory of Communicative Action	6.4
9	Parsons, Talcott	The Structure of Social Action	6.2
10	Goffman, Erving	The Presentation of Self in Everyday Life	5.5

۷. فاضل Massive reality را به انبوهی از واقعیت‌ها ترجمه کرده است.

8. Religious work of the unordained variety
9. Common assumption
10. Image of sociologist
11. A secularized version of the liberal protestant ministry
12. Connecting link between sacred and profane benevolence
13. Value-free
14. Scientific integrity
۱۵. پارک طبیعی و منطقه جنگلی کوهستانی در شرق ایالات متحده آمریکا
16. A communist brainwasher in a prisoner camp in China
17. Social group worker
18. The problem of the political role of the social scientist is, nevertheless, a very genuine one (1975: 26).
19. There is nothing ethically reprehensible in the role of scientific neutrality as such... (1975: 175).
20. Cynicism
21. Scientific and ethical judgments
22. Bad faith
23. Describe
24. Uncommitted ●